

متن پرسش

با عرض سلام و ادب. نمیدانم از چه بگم یا چه جوری مطرح کنم. استاد بعضی اوقات به خصوص از وقتی این ترم حوزه نرفتم برای این که فرصت بهتر شدن پیدا کنم. ولی احساس خاصی، سنگینی روح، خفگی، نمیدانم از گناه است یا ظرفیت روحی من کوچک، دیگه از عبادت خسته، تو مستحبات مثل نماز شب جماعت.. گویا یه چیزی از درون نهیب می زند این همه انجام پس چی شد بعد ۳ سال هنوز همان خانه اول هستی بقیه را نگاه و از آنجا که تو اعمال مداومت خوب هست این وقفه یه روز یا ساعتی مشکل ایجاد نمی شود در روند؟ اعتکاف هم ثبت نام کردم ولی دقیقه ۹۰ به خاطر مریضی زنانه توفیق نشد برود آیا این سلب را نتیجه گناه بدانیم؟ تو کارهای اجباری آیا گناه نوشته می شود مثل عروسی اقوام با وجود نوار... حتی اگر نیت را عوض کرد پس چرا اون درد ایجاد نمی شود چون مجلس گناه است؟ آیا فکر شهوت انگیز که بدون اراده ماهی یه بار یا دوبار موقع مریضیم ایجاد می شود گناه است؟ چون بعضی علما فکر را هم گناه حساب می کنند. تکلیف چیست با وجود دعا... این حالت تا طی نشود روح آزاد نمی شود. اگر گناهی صورت گرفت غیر ارادی مثل جنابت یعنی شک داشته باشید هست یا نیست با چه عملی پاک می شود؟ با تشکر

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: یک راه نورانی یعنی شریعت الهی را جلو ما گشوده‌اند تا ما با امیدواری تمام آن را طی کنیم. این اُفت و خیزها هم طبیعی است، بی‌خودی خود را ملامت نکنید و با امید فراوان و پشت‌کار جلو بروید بدون آن‌که نیاز باشد خود را منزوی نمایید. موفق باشید.